



## بدون شرح : رؤیای پادشاهی و کنج زندان رضاخانی ۱ -

حقوق :: نشریه قضاوت :: مهر ۱۳۸۱ - شماره ۹

صفحات : از ۱۳ تا ۱۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861236>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- شرح زیارة آل یس(۱): داعی الله و ربّانی آیاته
- وظایف و اختیارات شورای طبقه بندی زندان (۱) (در آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور)
- ویرایش، عرصه ی بی تشکل و بدون انسجام (۱) (مانع ها، مشکل ها، راه حل های پیشنهادی)
- مقایسهٔ تاثیر تمرین مقاومتی با و بدون محدودیت جریان خون بر میزان IGF-1، تستوسترون و مایونکتین سرمی مردان جوان
- بخش دوم: چکیده ی مقالات و شرح طرح جلد هر شماره از نشریه انسانی ناجا: نشریه های ۱ - ۳۶
- زندان: زندان و معضلات بهداشت محیط شهری (۱)
- زندان و آسیب های ناشی از مجازات زندان (۱)
- جرمه الخطف فی القانون الكويتی و تمییزها عن جرائم القبض و الحبس بدون وجه حق (۱)
- التعریف و النقد: شرح أبيات سيوية المنسوب إلى أبي جعفر النحاس (۱)
- درس هایی از نهج البلاغه: شرح مختصر نامه سی و یکم بر گرفته از شرح نهج البلاغه ابن هیثم (۱)



# رؤیای پادشاهی و کنج زندان رضاخانی

قسمت اول

## پیش درآمد:

متنی که پیش رو دارید، قسمت اول مشروح محاکمه نصرت الدوله فیروز، یکی از وزرای متنفذ و ایفاگر نقش برجسته در عرصه سیاست، در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی است. وی زمانی که سردای پادشاهی بر این مرز و بوم را در سر می‌پروراند، هرگز در خیال و خواب خود هم نمی‌دید که در کنج زندان رضا شاهی روزگار بگذراند. نصرت الدوله فیروز، پسر ارشد شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود که به سال ۱۳۰۶ (هـ. ق) تولد یافت. مشروطه خواهان و سلطنت طلبان هر یک به تناوب، با پدرش بر سر قهر و مهر بودند و این ناشی از خصوصیات ذاتی عبدالحسین میرزا بود که در شرایط خاص سیاسی، رنگ دیگری پیدا می‌کرد. فیروز میرزا، عنفوان جوانی را به جهت تبعید پدرش در خارج از کشور گذراند. تحصیلات ابتدائی را در عتبات به اتمام رسانید و مدتی در مدرسه فرانسوی بیروت، علوم جدید آموخت. وی بعد از خاتمه تحصیلات به وطن بازگشت و به واسطه نفوذ خانوادگیش در حوزة های مختلف اجرائی و تقنینی، صاحب منصب شد.

نهایت ابالت کرمان، نمایندگی مجلس، وزارت عدلیه، وزارت مالیه... و در نهایت، اولین

رضا خان افکند و وی به نصرت الدوله سخت ظنین شد. کمی بعد، پرونده ای قضائی برای شاهزاده مغرور بلند پرواز قاجار تشکیل شد که موضوع اتهام آن، پرداخت رشوه توسط نصرت الدوله به برخی از عوامل خود در دوران تصدی وزارت مالیه بود. نصرت الدوله بعد از مدتی دستگیر شده، و مورد بازجویی قرار گرفت و در نهایت، دادگاه وی به صورت علنی تشکیل و وی محکوم شد. گرچه برخی معتقدند که دلایل اتهام از قوت کافی برخوردار نبود و نصرت الدوله، دفاع محکمی از خود کرد. با این وصف؛ روند قضائی نشان می‌داد که دستهای مارزای دادگاه، جهت قضایا را به سمت و سوی محکومیت فیروز میرزا سوق می‌دهد.

(روزنامه اطلاعات، ۲۴ فروردین ۱۳۰۹)

نامزدی پیشنهادی احراز مقام پادشاهی و سلطنت از سوی دولت استعمارگر بریتانیا در اواخر سلطنت متزلزل قاجار، همه و همه مصادر اموری بودند که وی در مقاطع مختلف، عهده دار نقش آفرینی در آن مسندها شد. گرچه در مورد اخیر، بخت موافق با او یار نبود و دیگر رقبا، گوی سبقت را از او ربودند و دوستان انگلیسی فیروز میرزا کاملاً او را تنها گذاشتند. وی بعد از کودتای رضا خان سردار سپه، تا مدت‌ها از مدافعان سرسخت شاه جدید شد؛ گرچه به لحاظ خانوادگی و نفوذ اشرافی، و به لحاظ مرتبت اجتماعی، خود را چند پله بالاتر از رضاخان می‌دید و همین مسأله باعث شده بود که در جلسات دوستانه و خصوصی، انتقادات نرم و نازکی از مقام منبع رضا شاهی دریافت داشته باشد. این مسأله کم کم سایه های بدگمانی و توهم را بر دل و جان

### ادعای نامہ مدعی العموم دیوان عالی تہمیز ہیات محترم عمومی دیوان عالی تہمیز

بر اثر راپورٹ پارکے دیوان عمال دولتی بہ عنوان وزارت جلیلہ عدلیہ کہ در ضمن تعقیب دوسہ انبار شاہزادہ فیروزہ میرزا نصرت اللہولہ، وزیر مالہ سابق، مرتضی شناختہ شدہ و از طرف وزارت جلیلہ مزبور بہ موجب مراسلہ نمبر ۳۳۳۹۶ مورخ (۲۵ اسفند ماہ ۱۳۰۸) از مجلس شورای ملی، تقاضای تعقیب شاہزادہ فیروز میرزا گردیدہ و پس از طی مقدمات دوسہ، برای طرح دعوی در پیشگاہ ہیات عمومی دیوان عالی تہمیز، بہ موجب مراسلہ وزارت عدلیہ نمبر ۲۴۳۸ بہ پارکے دیوان تہمیز ارسال گردیدہ. اینک بہ شرح ذیل، اقامہ دعوی بر شاہزادہ فیروز میرزا نمودہ و در حدود قانون، تقاضای صدور حکم مجازات می شود.

در تعقیب ختم کار بدہی آقای حاج حسن آقا مہدوی امین الضرب سابق بہ بانک ایران، برای اینکے اشکال تراشی نشدہ و از املاک مشارالہ کہ از طرف وزارت مالہ توقیف شدہ بود، رفع توقیف شود؛ آقای فیروز میرزا، وزیر مالہ وقت، مطابق اظهارات آقای حسن آقا مہدوی پسر و نمایندہ حاجی امین الضرب بہ وسیلہ ارباب علی آقا صابریزدی، معادل مبلغ شانزدہ ہزار تومان رشوہ گرفتہ اند؛ بدین شرح:

اولاً؛ بنا بہ دستور و امر کتبی آقای وزیر مالہ، قراردادی بہ تاریخ بیست و دوم خرداد ۱۳۰۷، بین ارباب علی آقا، و سرویس ارزاق منعمد می شود کہ بہ موجب آن ارباب علی آقا مقدار دوپست و پنجاہ خروار گندم پاک کردہ (نود و پنج من بہ جای یک خروار) از عایدات املاک ایالت طہران بہ سرویس ارزاق بفروشد، از قرار خرواری بیست و دو تومان. کہ ۵۰ خروار در مرداد و ۵۰ خروار در آبان ماہ تحویل کند و ہر مقدار وسایل حمل کہ ارباب علی آقا لازم داشتہ باشد، انبار غلہ دولتی در اختیار مشارالہ بگذارد و مبلغی ہم سرویس ارزاق بہ عنوان مساعدہ تقدماً بہ ارباب علی آقا تادیب نماید. قرارداد محضی بہ امضای سلطان حسین میرزا رخشانی، کفیل سابق سرویس ارزاق و ارباب علی آقا است. در قرارداد مزبور، جای مبلغ مساعدہ باز گذاشتہ شدہ و بعد کہ آقای فیروز میرزا، مبلغ مساعدہ را در سہ ہزار تومان مین کردہ و این مبلغ با ترتیبی کہ ادارہ ارزاق در تادیب مساعدہ بہ فروشنندگان داشتہ کہ حداکثر آن از قرار خرواری شش تومان بودہ، وفق نمی داد. ناگزیر ارقام قرارداد را کفیل سرویس در حضور شاہزادہ فیروز میرزا و بہ دستور ایشان تہمیز دادہ؛ بدین نحو کہ مقدار جنس ۵۰۰ خروار گردیدہ کہ در مرداد ۵۰ خروار، و در شہریور ۱۵۰ خروار، و در مہر ماہ ۲۰۰ خروار، و در آبان ماہ ۱۵۰ خروار؛ ارباب علی آقا تحویل دہد (سراجمہ شود بہ اوراق تحقیقیہ، صفحہ ۱۳ بہ بعد، اظهارات آقای رخشانی در حضور آقای وزیر محترم عدلیہ و آقایان نمایندگان

کمیسیون محترم عدلیہ و آقایان نمایندگان کمیسیون محترم مجلس شورای ملی). با اینکے ارباب علی آقا، ذیل قرارداد رسید مبلغ مساعدہ را با این عبارت قید کردہ: «بر طبق قرارداد فوق، مبلغ سہ ہزار تومان از سرویس ارزاق بہ موجب چک بانک، نمبر ۴۹۶۸۹۰ دریافت شدہ. ولی مبلغ مزبور را جہان بخش میرزا، نوکر شاہزادہ فیروز میرزا اخذ و تسلیم مشارالہ نمودہ است و ۱۹۳۶ تومان دیگر بابت قیمت جنس حشمت الہ خان، منشی شاہزادہ فیروز میرزا گرفتہ و بہ شاہزادہ تسلیم نمودہ و قرارداد مزبور کہ در ظاہر بہ اسم ارباب علی آقا ذکر شدہ؛ در واقع، فروشنندہ جنس پسر حاجی امین الضرب بودہ و وجوہ آن تحویل شاہزادہ می شدہ است. قسمت دیگر وجوہی کہ از این بابت دادہ شدہ، یک فقرہ حوالہ آقای مہدوی بہ بلدیہ بابت قیمت چراغ برقی، شہر (طہران) است ولی نظر بہ اینکے کارخانہ چراغ برقی جزء اموال حاجی امین الضرب، تحت توقیف بودہ و تا آن تاریخ (مرداد ۱۳۰۷) عواید آن بہ خزانہ داری کل فرستادہ شدہ بودہ، آن را نپرداختہ اند. آقای محمد حسن میرزا دولتشاہی، رئیس محاسبات کل وزارت مالہ؛ میرزا علی اکبر خان علی آبادی را (کہ از طرف وزارت مالہ حق نظارت و کنترل در خرج بلدیہ داشتہ) احضار کردہ و یادداشتی بہ امضای شاہزادہ فیروز میرزا بہ او دادہ دایر بہ اینکے «رفع توقیف از عواید چراغ برقی شدہ و برحسب تقاضای آقا حسن مہدوی نوشتہ می شود کہ حوالجات ایشان را پذیرفتہ و کارسازی نمایند. بانک ایران، دیگر در عواید جاری چراغ برقی نظری ندارد».

بر اثر این یادداشت، آقای علی آبادی یادداشت را ضبط نمودہ و حوالہ را کہ بہ بلدیہ شدہ قبولی نوشتہ و تسلیم حسن آقا کردہ. در صورتی کہ در آن موقع، ریاست محاسبات بلدیہ با مسیو آلبرت، و قبولی نوشتن علی آبادی بی مورد بودہ. ولی بہ طوری کہ در تحقیقات از او معلوم می شود، قبولی نوشتن او بنا بہ اصرار و ابرامی بودہ کہ از طرف دولتشاہی بہ امر وزیر مالہ در این باب می شدہ. باری، وجہ مزبور را حسن آقا مہدوی از بانک، پس از کسر مقداری بابت فرع، دریافت داشتہ و مبلغ ہزار تومان برای مصارف خود ضبط کردہ و بقیہ را کہ در حدود پنج ہزار و ہفتصد تومان بودہ، بہ ارباب علی آقا دادہ و مشارالہ بہ شاہزادہ فیروز میرزا تسلیم کردہ است. بہ شرح مزبور، آقای مہدوی مدعی است کہ ارباب علی آقا، مبلغ شانزدہ ہزار تومان بہ اسم شاہزادہ فیروز میرزا بہ حساب او گذاشتہ و در دفتر خود نیز این مبلغ را بہ همین اسم درج کردہ و ارائه می دہد. ارباب علی آقا در تحقیقات فقط اعتراف بہ مبلغ دوازہ ہزار تومان نمودہ است.

خلاصہ، شاہزادہ فیروز میرزا برای رفع توقیف از اموال حاجی حسین آقا امین الضرب، پس از ختم عمل او در بانک ایران بہ شرح مذکور، وجوہی توسط ارباب علی آقا از حسن آقا مہدوی گرفتہ و مرتکب ارتشاء گردیدہ. و مطابق مفہوم مادہ (۱۳) قانون محاکمہ (وزرا مصوب شانزدہم تہمیر ماہ ۱۳۰۷) و مادہ اول قانون مجازات ارتشاء (مصوب دوم تہمیر ماہ ۱۳۰۷) مستوجب مجازات است. ادلہ ای کہ برای اثبات این امر در دوسہ

شماره ۳۳۳۱ سال چهارم  
صاحب انتشار و مد  
عنوان نشرانی  
نمبر تلغون ادارہ ۴۷۴-۴  
مقالات و لوایح وار

## جریان محاکمہ فیر

بقیہ جلسہ صبح دیروز  
شہادت مسیوالبرت

مسو آلبرت رئیس سابق معا را شہادت حاضر شد اطلاعات خود را شہادت مسیوالبرت  
تحت تحقیقات موجود است، بہ قرار ذیل می باشد:  
۱- مطابق تحقیقاتی کہ قابل خدشہ نیست، عقد قرارداد تحویل جنس بہ ارباب علی آقا، مصادف است با موقعی کہ ادارہ انبار از یک طرف جنس زیاد موجود داشتہ و بہ واسطہ بروز خرابی و فساد برای حفظ آن، درصدد تدابیر بودہ و از طرفی دیگر، بہ واسطہ کثرت و تراحم فروشنندگان جنس، دچار مضیقہ و فشار فوق العادہ

از دریافت در اطاق خواب خود به ارباب علی آقا داده و مشارالیه به او رد کرده که به شاهزاده تحویل نمایند و او وجه مزبور را به اندرون شاهزاده فرستاده .

۱۲ - اظهارات آقای میرزا علی اکبرخان علی آبادی، رئیس فعلی محاسبات بلدیة از صفحه بیست و نه الی سی و چهار، که چگونگی قبولی نوشتن حواله حسن آقای مهدوی را به بلدیة، بابت قیمت چراغ برق شهر و توصیه را که درباب قبولی نوشتن حواله و تأکیدی که در تسریع آن شده، شرح داده است . با قید اینکه مراسله رسمی راجع به رفع توقیف، چندروز بعد از یادداشت شاهزاده فیروز میرزا رسیده و بعد از وصول آن، مراسله رسمی به اصرار یادداشت شاهزاده، استرداد گردیده و مشارالیه قبل از رد کردن یادداشت مسیو آکیرت، رئیس محاسبات را از سابقه امر مسبوق نموده و سوادی هم از آن یادداشت برداشته است که تصدیق مسیو آکیرت در پاکت شماره ۲، محتوی سه ورقه به این مسأله، این را مدلل می دارد . بنابراین، از آن پیشگاه محترم، محاکمه و تعیین مجازات بر طبق قانون تقاضا می کنم . شهود امر و مطلعین از قضیه، اشخاص مفصله اند .

- ۱ - حسن آقا مهدوی
- ۲ - ارباب علی آقا صابر یزدی
- ۳ - حشمت اله خان، منشی شاهزاده فیروز میرزا
- ۴ - جهان بخش میرزا، نوکر شاهزاده
- ۵ - شاهزاده سلطان حسین میرزا رخشانی
- ۶ - سلیمان خان سیانلو
- ۷ - صدرالدین خان
- ۸ - میرزا علی اکبر خان علی آبادی
- ۹ - مسیو آکیرت، رئیس سابق محاسبات بلدیة
- ۱۰ - هدایت قلی خان رهبری

رضا الطباطبائی النائینی

(محکمه ساعت شش و ربع کم، برای تنفس تعطیل شد . به فاصله ده دقیقه مجدداً محکمه تشکیل گردید .)

رئیس محکمه (خطاب به فیروز میرزا) - کسالتی که اظهار داشتید مانع از این است که دفاع بپردازید و آیا نمی توانید فعلاً مبادرت به دفاع کنید؟  
فیروز میرزا - کسالت زیادی دارم ولی مانع نیست، در صورتی که می فرمایید عرض کنم .

رئیس - پس بفرمایید .

فیروز میرزا - بنده اگر می خواهم از این حق قانونی خودم استفاده کنم، برای این نیست که داخل در بحث قانونی شوم . . . نه! . . . آقایان مدافعین محترم من جایی برای این مسأله باقی نگذاشته اند (با تأثر) و نه حال ضعف و فرسودگی من، به من اجازه می دهد، پس اگر با این وضع در این مقام مؤثر، بنده مبادرت به اظهاراتی می کنم، فقط برای ذکر یک کلیاتی است و شاید هم به ضمیمه این کلیات، یک خصوصیتی باشد (یک لحظه سکوت .)

وضعیت بنده در مقابل محکمه محترمه، مانند وضعیت کسی است که از طریق عبوری و هموار و متناسب با زندگی خودش (با صدای بلندتر) بدون

۴ - مساعدت فوق العاده اداره ارزاق در حمل جنس مزبور و عجله در تحویل گرفتن .

۵ - اظهار آقای سلیمان خان سیانلو، رئیس محاسبات ارزاق به اینکه در موضوع جنس مزبور، آقای رخشانی یادداشتی از آقای وزیر مالیه به او داده و گفته اند، دوهزار تومان از قیمت جنس ارباب فوراً بدهید که برای آقای وزیر مالیه لازم است و بر اثر آن، دو هزار تومان از صندوق اخذ و به مشارالیه تأدیة نموده که بالاخره در تحقیقات، آقای حشمت اله خان اظهار داشته، وجه مزبور به او داده شده که به شاهزاده بدهد . معلوم می شود که چون رخشانی رسید خواسته بوده، شاهزاده قبول نموده، وجه را رد کرده و یادداشت خود را گرفته است .

۶ - سه فقره اوراق چاپی اداره انبار غله دولتی شماره ۵۷۲ و شماره ۴۶۳ و ۴۶۱ دایر به روانه داشتن مکاری بتارند ملک حاجی امین الضرب برای حمل جنس و همچنین، کلیه اوراق تحویل جنس که معرف بلوک و محللهایی است که جنس حمل شده است .

۷ - اظهارات آقای مهدوی از صفحه یک اوراق استنطاقیه نمایندگان کمیسیون مزبور الی صفحه ۹ که چگونگی تأدیة وجه را برای رفع توقیف املاک شرح داده است .

۸ - اظهارات آقای ارباب علی آقا در اوراق تحقیقیه مزبور از صفحه ۱۰ الی صفحه ۱۳؛ که تسلیم وجه را از جانب مهدوی به شاهزاده فیروز میرزا، تا میزان دوازده هزار تومان تصدیق کرده است .

۹ - اظهارات آقای رخشانی، کفیل سابق اداره ارزاق، از صفحه سیزده الی پانزده؛ دایر به طرز بسته شدن قرارداد خرید جنس و همچنین حواله دو هزار تومان، که خود شخصاً وجه آن را به فرمانیه برده و به حشمت اله خان داده که به شاهزاده تسلیم کند و قبض بگیرد و چون مطالبه قبض شده، شاهزاده قبول نکرده و یادداشت خود را در این باب استرداد نموده است .

۱۰ - اظهارات جهان بخش میرزا، نوکر شاهزاده فیروز میرزا که پس از انکار، از تسلیم سه هزار تومانی که بابت قیمت جنس ارباب علی آقا وصول کرده به شاهزاده فیروز میرزا بالاخره، مطابق اوراق تحقیقیه مزبور، از صفحه بیست و هشت الی صفحه بیست و نه، صریحاً اعتراف نموده که پول را قبل از ظهر از بانک وصول کرده و در شهر، در حیاط بیرونی، طرف عصر به خود شاهزاده داده .

۱۱ - اظهارات حشمت اله خان بابت حواله دو هزار تومان که او نیز پس از مدتی انکار و دعوی اینکه یک هزار ونهصد و کسری پول جنس ارباب علی آقا را به خود او رد کرده، بالاخره در صفحه بیست و هفت اوراق تحقیقیه مزبور، اعتراف نموده که پول را پس

گشته؛ به طوری که همیشه در صحن انبار، چندین هزار خروار گندم ریخته و مأمورین از تحویل گرفتن آن عاجز بوده اند و هیچ گونه موجبی برای چنین معامله وجود نداشته .

۲ - تغییراتی که در ورقه قرارداد به عمل آمده، برای این که میزان جنس را بالا ببرند که در نتیجه، بسهولت قادر به تأدیة سه هزار تومان مساعده بشوند که در نتیجه، دو بیست و پنجاه خروار مبدل به پانصد خروار گردیده و در مواعیدی که برای تأدیة معین شده .



وزنامه یومیه ایران

(چندی اذنه)  
تحریر: تهران -  
معاون: لائمزوار  
وجه عنود نمیکردد

سیرز انصرت الدوله

آقای مدعی العموم - نسبت که در دویسه است فرقت .  
شهادت صدرالدین خان  
آقای: جلمه عصر ۹  
جلسه عصر ۹  
نصرت الدوله  
توسیم این مجازت  
شمار کردم و در  
یواسر ادرار کس

سهواً پنجاه خروار زاید بر میزان مزبور نگاشته اند و تغییر دهنده متوجه ماده (۶) قرارداد نشده و میزان جنس در آن ماده، همان دو بیست و پنجاه خروار معین گردیده که قطعاً بی نظیر است و چنین سابقه در انبار معمول نبوده  
۳ - سری قرار دادن این امر (معامله جنس) که کلیه مأمورین ارزاق به استثناء چند نفر، از قضیه بکلی بی اطلاع بوده اند .

آنکه بداند چطور و چرا یک انحراف حاصل کرده و مصادف با یک پرتگاه مهیب شده باشد!

به جرم جنایت، از محکمه محترمه برای من تقاضای مجازات می شود: مجازات ترحیمی و ترحیمی! ... یعنی چه؟ ... یعنی به عبارت واضح و واقع، تمامی و اعدام! ...

بنده هم نه از نقطه نظراتی که قوانین مملکتی محترم و حتی الاجراست، مطیع رأی محترم هستم ولی از نقطه نظر اینکه به عالی ترین هیأت قضائیه مملکت خودم باید مثل همه اعتماد داشته باشم، با کمال اطمینان و از روی قلب و عقیده، تسلیم هستم.

شما آقایان! ... عالی ترین هیأت قضائیه جدید این مملکت می باشید! ... مظهر قوه قضائیه هستید که در مقابل قوه مقننه و اجرائیه، یک قوه مستقلی است!

امینتی که در این مملکت ایجاد شده و این مملکت را از حال ملوک الطوائفی ... از حال تروریستی و کشت و کشتار مبدل به یک حال سلامتی کرده و این پایه استقلال داخلی یک مملکتی است، این امنیت سیرده دست شما است و حافظش شما هستید، بالاتر از این ... رفع اثرات خارجی از قوه قضائیه این مملکت، این هم از اصلاحات عصر حاضر است و این قسمت، پایه استقلال خارجی این مملکت محسوب می شود و یکی از بزرگترین پیشرفتهایی است که تحصیل آن هم، باز از طرف شماست؛ حفظش به عهده شماست و حافظش شما هستید!

البته تصدیق می فرمایید که این طور اصلاحات اساسی به مجرد تسلیم شدن یا تسلیم کردن به یک اصلی پایدار نمی شود. بایستی مقامات مربوطه مملکتی از هر حیث، عملاً خودشان را با این قبیل ترقیات و پیشرفتها منطبق بکنند تا آنکه یک پایه محکمی تشکیل شود که بتواند این تأسیسات را از یک لطمات فرضی که ممکن است ایجاد شود، مصون و محروس بدارد!

البته مسلم است که هیأت حاکمه محترمه، بهتر از بنده واقف به این نکات و مسیوق به این اسرار هستند و بهتر از بنده می دانند که در داخله مملکت از عالی تادانی، انتظار مردم از آنها فرداً فرد و از هیأت اجتماع آنها چیست. و من یقین دارم که تمهدی را که آقایان در موقع قبول این مقام کرده اید، نسبت به حفظ منافع آن از همه کس بهتر به آن سابقه دارید و از همه کس بهتر حفظش می کنید.

یکی از اصولی که در تشخیص حق و باطل مؤثر، و در نظر قاضی عامل قوی است، توجه به خصوصیات اخلاقی است. برای بنده اظهار این قسمت خیلی مشکل است و آقایان مدافعین محترم من هم در این زمینه اظهاراتی کرده اند ولی از آن طرف، موقع یک موقع خیلی دقیقی است و من یقین دارم که حرف زدن در این محل به ترکیه نفس نمی شود و ناچارم یک تذکرات مختصری عرض کنم:

قریب ۱۶ سال متوالی است که بنده در امور عمومی و سیاسی این مملکت دخیل هستم. مقامات مختلفه را احراز کرده ام و به طوری که آقای مدعی العموم محترم اشاره کردند، همیشه دشمن خیلی زیاد داشتم. دشمنهای قوی هم داشتم، باکی هم نداشتم. یک قسمت از این دوره تصدی که به آن اشاره کردم، در یک موقعی واقع شده بود که اگر آقایان توجه بفرمایید، یک دوره ای بوده است که اگر رشوه قبیح اصولی هم داشته، از نقطه نظر عمل مجری و معمول به بوده است (قدری سکوت).

در آن ازمه، دشمنهای من به من خیلی تهمت زدند. ... (با صدای بلند) قیام بر علیه حکومت ملی ...

اما اگر مراجعه به فحواهی عمومی شود، تصدیق خواهد شد که در میان این تهمتها، تهمت رشوه گیری به من نزدند؛ نگفتند در وزارتخانه یا حکومت خود، پول از مردم می گرفت و کار انجام می داد. اقلاً مرا یک آدم با حرص و طمع و آرزوی تلفی نکردند و رشوه گیری را که اخلاق ملتزم و مستلزم این صفات است، به من نسبت ندادند.

اخیراً که وسایل جلوگیری از این عادت مذموم بیشتر شده، قوانین به تصویب رسیده، دیوان جزای مخصوصی تشکیل شده. یکی از قوانینی که همیشه سالهای درازی بردورد زبانها بود و قانون اساسی هم مرده ظهورش را می داد اما هیچ وقت از پشت پرده غیب بیرون نمی آمد یعنی قانون محاکمه وزرا، ظهور کرد و تصویب شد و بنده خودم هم در تمام این مدت و تمام این امور، یکی از عوامل مؤثر اجرای این نیابت اصلاح طلبانه بودم.

یکمرتبه در همچو موقعی (با تأثر) مثنی و روش قدیمی خودم را هم از دست داده ام، شده ام رشوه گیر! (به صدای بلند و متأثر) دزد! آنهم آفتابه دزد! (مدتی سکوت).

(با تبسم) آقای مدعی العموم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند (البته بعد نسبت به این قسمت عریضی خواهم کرد و فعلاً تذکر عرض می کنم) در ضمن فرمایشاتشان فرمودند، موضوع رشوه چیزی نیست که برای آن دلایل زیاد و آوردن تصدیق آیت اله و حجت اله لازم باشد و دلایل آن سند است برای رشوه که همین جا من پیدا کردم، یعنی پیدا کردند و دادند به دست من و من هم ابراز داشتم و همین هم زیادی است. ...

بلی که زیاد است! این خودش دلیل کافی است که رشوه نیست و چیزهایی که می گویند عملیات معقول ساده ای بیش نبوده است. به بنده اجازه بدهید هم الان با آقای مدعی العموم به وزارت مالیه بروم. حالا که دوسیه برای من تهیه کرده اید، پس بدانید که من پنجاه دوسیه از این چیزها دارم. اجازه بدهید بروم نشان بدهم. ... دوسیه هایی است که می یادداشت داده ام، می حکم صادر کرده ام.

برای گرفتن رشوه کثرتات منعقد شود، گندم

خریداری شود، مساعده داده شود، البته هر کس تصدیق می کند که اینها برای کسی که می خواسته رشوه بگیرد، زیادی است! من خیال می کنم که اگر آقای مدعی العموم، نه به واسطه این دلایل بلکه اگر خدای نخواست، خدای نخواست به دلایل دیگری که اظهار نداشتند، محقق می دانستند که من مرتکب گرفتن رشوه شده ام؛ عوض این که ادعایانه جزایی بر علیه من تنظیم کنند، می بایستی قیم برای من تعیین نمایند. نه فقط برای من، بلکه برای هر کس که به این صورت و با این مقدمات و هیاهو رشوه بگیرد (مدتی سکوت و مطالعه یادداشت).

خدمت اخیر دولتی بنده، وزارت مالیه بود. در سال بلکه متجاوز، امور مالیه این مملکت را بنده عهده دار بودم. از نقطه نظر عمومی و از نقطه نظر ترقیات انتظامات رابرت ۱۳۰۷ مالیه را که تهیه کردند و شش، هفت ماه بعد از برکناری من طبق کردند، دلیل کافی و وافی برای من است و هر کس به آن دقت کرده باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر حسن توجهی در مدت تصدی من شامل من بوده است، به غلط صرف نشده است.

و اما از نقطه نظر خصوصیات و شخصیات که موضوع «مانحن فیه» است، بنده بایستی تذکراً عرض کنم که قریب به یک سال است، ۱۱ ماه است (قدری تفکر) بلی، در حدود یازده ماه است بنده از کار خارج شده ام و اگر مقام مقایسه ای باشد، می توانم بگویم از یک سعادت بی یک نکستی منتقل شدم و در تمام این مدت برای حفظ مرسوم و سابقه، از هر طرف به سر افتاده من لگدی و لگدهایی زده شد و با این حال، بنده امروز در حضورتان افتخار می کنم که نتیجه ساعی تمام این دشمنان من در این مدت، با همه حرفهایی که زدند، برای اینکه شبیه ای در ذهن پادشاه مملکت تولید کنند، برای اینکه حیثیات مرا ببرند، فقط همین دوسیه است و دو سال پیش از اینکه پایه و سنگ اساسی آن (به صدای بلند) روی دشمنی و روی غرض ورزی و روی حسادت برای من گذاشته شد، این افتخار من است (به صدای بلند) مدت دو سال. دو سال و بلکه متجاوز از دو سال وزیر مالیه بودم! یک وزیر مالیه مقتدر، مشهور، بی ملاحظه و بی باکی بودم و محافظه کاری را هم بلد نبودم. بعد از دو سال در مدت یک سال افتادگی من، همه دشمنهای من با همه کوشش و جدیتی که کردند فقط همین ورق پاره ها را برای من تهیه کردند.

نمی دانم حالا بنده می توانم آن سوالی را که آقای رئیس فرمودند، اکنون جواب عرض کنم؟ در این موقع، کالستم زیاد شده و قوه مقاومت را از من سلب کرده است. اگر ممکن است، اجازه بدهید بقیه عریضم را فردا عرض کنم.

محکمه با این تقاضا موافقت کرد. ساعت شش و بیست دقیقه عصر جلسه ختم، و بقیه به صبح روز بعد، ساعت ۸ موکول گردید.